



نعمتهای آشکار و پنهان خداوند

۲۰ - ألم تر و ان الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض
واسخ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة ومن الناس من يجادل في الله بغير
علم ولا هدى ولا كتاب منير .

آیا نمی بینید که خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است برای شما
مسخر کرده است ، و نعمتهای ظاهری و باطنی خود را در باره شما کامل گردانیده
ولی گروهی از مردم (با این نشانه های بارز توحید) ندانسته و بی دلیل و بدون
کتاب روشن درباره خدا سخن میگویند .

هدف آیه

هدف آیه مانند سایر آیهای این سوره توجیه دادن انسان است به مبده و معاد آنها از
طریق نشانه های بارز توحید که در سراسر جهان هستی بسیاری از آنها او را بصورت نعمت
احاطه کرده است .
جهان آفرینش بطوری آفریده شده که بسیاری از موجودات طبیعی خدمتگذار بشر بوده
و قسمتی را نیز خود را وقف خدمت نموده و بهره برداری میکند .

ولی انسان با اینکه قدرت و نیرو ، با این همه داشتن و بیش به قسمتی از نعمتهای مادی و
معنوی پر برده ، اما قسمت زیادی از اسرار آفرینش هنوز برای او روشن نشده است . چه بسا تا
پایان دوران عمر بشر قسمت مهمی از آنها که ابزار و وسایل حیات و زندگی برای او هست ، هرگز
مکتشف نشود ، زیرا نعمتهایی که همیشه لازم با ما است ، و هرگز از ما جدا نمیشود هنوز مسلم
مورد خلقت قرار گرفته و در افق فکر و تصور ما نمیآیند .

آری نعمتی که گاهی مست و گاهی نیست ، چون فقدان آن ، عکس العمل مخصوصی در

مأمیگذازد ، از این نظر همواره مد نظر بوده و کمتر مورد بی توجهی قرار میگیرد . ولی نعمتهای ملازم ودائمی چون واجد این عکس العمل نیست ، از این جهت داعی بر توجه در آن نخواهد بود .

یک مثال روشن : دانشمندان احتمال میدهند که هر گونه اتمشاشات صوتی قابل شنیدن باشد در آن گرانسان یک سلسله امواج صوتی را از آغاز زندگی تا پایان عمر بدون کوچکترین وقفه ای بشنود . ممکن است اسلواچو د آنرا تشخیص ندهد و در صورتی میتوان آنرا تشخیص بدهد که لاقط لحظه ای توقف در آن پیدا شود .

روی این اساس چه بسا احتمال میدهم که بسیاری از نعمتهای الهی بسان همان اصوات ممتدی باشند که از روز نخستین با ما همراه بوده ، و تا پایان زندگی نیز با ما همراه خواهند بود . در این صورت اینگونه مواهب هرگز مورد توجه قرار نخواهد گرفت .

خداوند آسمان و زمین را برای بشر تسخیر کرده است

کره ای که ما در آن زندگی میکنیم ، از نظر حجم و وزن نسبت به بسیاری از کرهات بسیار ناچیز است ، و در میان جانداران انسان که از نظر حجم و وزن چندان مورد توجه نیست ، بیش از بقیه از مواهب زمینی و آسمانی بهره برداری میکنند . بسیاری از موجودات را خود او تسخیر کرده و بهره برداری بنماید ؛ و قسمت دیگری را خداوند بطور تسخیر شده در اختیار او گذارده است . بنابراین او از تمام مواهب الهی بهره مند است .

مثلاً او از نور خورشید و ماه و اوضاع ستارگان در سترهای درخشان و زمینی ، از جانداران دریایی و پستانداران و پرندگان ، و برگ و میوه درختان و گیاهان زمین و ... بهره مند است

این نظام مدبوع که با طرز جهانی در استخدام بشر در آمده و روز بروز وی قدرت و سیطره خود را در باره آنها گسترش میدهد ، آیا گواه محکم و برهان بر وجود مدبر و حاکم است ؟ آیا این نظم و ترتیب بالاخص از این راه که با طرز مخصوص تمام نیازمندیهای بشر را بر طرف معین کند ، گواه بر این نیست که دستگاز آفرینش ساخته تصادف نیست ؛ بلکه پایه های آن بر اساس نقشه ویراننده تدبیر و دانش استوار است .

هر گاه هیچ برهانی برای اثبات وجود آفریدگار جهان نباشد ، چرا اینکه بشر مشاهده میکند که جهان بیرونی مراد او ساخته شده است ، و جهان با تمام جوامع خود ، جوایگی اختیار جات روز افزون او است ، و او در دامه زندگی بهر چیزی نیازمند باشد بیدرنگه آنرا در خود و جهان طبیعت مشاهده مینماید ؛ این نظام و انتظام ، کافی است که انسان با وجدان را با سازنده این جهان و طراح نقشه ریز عالم هستی آشنا سازد .

نعمتهای ظاهری و باطنی چیست ؟

نعمتهای ظاهری عبارتند از موجوداتی که با قوای حسی و ظاهری قابل درک باشند ؛ و

ببابت روشنتر موجودات مادی و نمودهای طبیعی ، ولی منظور از نعمت باطنی ، همان امور باطنی است که اساس زندگی صحیح بشر بر روی آن استوار است ، مانند خرد و هوش ؛ حتی میتوان شرایع آسانی و بر نامه های پیامبران را نیز جزء نعمتهای باطنی شمرد .

قرآن و تسخیر فضا

از آنجا که در گذشته مسأله تسخیر فضا در میان دانشمندان مطرح نبود ، عموم مسلمانان علیقدر اسلام آیه فوقی امثال آن را چنین مننی کرده اند ، که خداوند آسمانها و زمین را برای بشر تسخیر کرده است یعنی آنها را برای سود بردن بشر آفریده است و این مطلب از تمام آیه های زیر استفاده میشود :

۱ - **سُخِّرَ لَكُمْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالنَّجْمَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ** یعنی چشمه ها را برای شما تسخیر کرد .

۲ - **اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ مِثْنَى يَوْمَ الْآزْمِ** خداوند که دریا را برای سود بردن شما تسخیر ساخت .

۳ - **سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ** یعنی آفرید گاری که شب و روز و آفتاب و ماه را برای انتفاع شما آفرید

شاهد گفتار آنها اینست که در این آیه ها خداوند خود را مسخر (با کسره) معرفی کرده

است ، و منظور از تسخیر با کسره (لکم) سود بردن بشر بیان نموده ، و این معنی با مسأله تسخیر فضا که روزی بشر به کرات آسمانی دست مینماید تفاوت زیاد دارد ؛ و نمیتوان گفت قرآن از این قدرت عظیم بشر بطور غیب خور داده است .

ولی اگر آیه دیگر نظر بیا نندازیم شاید مشکل فوق حل شود زیرا ما مشاهده میکنیم بی -

وینهم که خداوند در قرآن خود را تسخیر کننده کشتی معرفی کرده در صورتیکه بحسب ظاهر کشتی را بشر تسخیر نموده و ساخته است ، ولی این که قرآن بگوید : **وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ** (ابراهم ۲۳) یعنی کشتی را برای شما تسخیر کرد ، برای اینست که مقدمات اولیه تسخیر کردن بشر را از قبیل خرد و هوش و لوازم ساخت کشتی را ، خود او داده است و بالنتیجه بشر نیز در درجه دوم آنرا ساخته و تسخیر کرده است ، روی این مبنی هرگز منافات ندارد که هم خداوند و هم بشر (الته با حفظ مراتب) مسخر (با کسره) باشند ، و این مطلب درباره تسخیر آسمانها نیز جاری است .